

مسکن و محیط زیست

شماره ۱۵۵ ♦ پاییز ۹۵ ♦

بررسی تطبیقی مسکن عشاير ایران

اسماعیل ضرغامی*

1394/04/05

تاریخ دریافت مقاله:

1395/02/05

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

در دو سده گذشته بررسی‌های تطبیقی و گونه‌شناسی در علوم گوناگون از زیست‌شناسی گرفته تا معماری مطرح شده است. این بحث از لحاظ محتوایی اهمیتی در ردیف مباحث نظری پایه‌ای معماری مانند فضای شکل و فرم یافته است. شناخت گونه‌ها در تمامی فعالیت‌ها، آثار مجسم، تکرارشونده و ریشه‌دار بشری می‌تواند کاربردی بس مؤثر داشته باشد. از این جهت در پژوهش حاضر قصد بر این است که آثار ارزشمند عشاير ایران با سابقه‌ای به قدمت تاریخ ایران مورد تفحص و جستجو قرار گیرد. سابقه تاریخی این اقوام نیز مسکن آنان را در خور توجه شایسته‌تر قرار می‌دهد. نکته دیگری که امروزه بررسی‌های مسکن عشاير ایران را حائز اهمیت و شایان توجه می‌نماید این است که امروزه نیاز به مسکن متحرک و غیر دائمی برای اسکان موقت و غیر دائم به دلایل گوناگون از جمله بحران‌های طبیعی، اجتماعی و مشابه رو به توسعه است. با عنایت به مسائل پیش‌گفته به‌نظر می‌رسد با مطالعه مسکن عشايري می‌توان تجربیات تاریخی مربوط به مسکن متحرک را ثبت و ضبط کرد. طبیعتاً مطالعه، بررسی و استخراج ویژگی‌های مسکن عشاير می‌تواند راهبردی برای معماران باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق مطالعه اسنادی و برداشت‌های میدانی بوده و روش تحقیق با طبقه‌بندی و تحلیل محتوایی انجام می‌گیرد. در ادامه مقایسه تطبیقی براساس تفاوت‌های شکلی و کالبدی با توجه به فرهنگ قوم‌های متفاوت و جغرافیای زندگی آنان صورت خواهد گرفت. هدف جنبی پژوهش حاضر شناخت و بازخوانی مسکن عشاير با هدف طرح الگوی مناسبی برای مسکن متحرک و مورد استفاده در موقع بحران است. چنین به‌نظر می‌رسد استفاده و تلفیق این اصول با تکنولوژی و فناوری‌های روز می‌تواند گامی در جهت غنای طراحی و اجرای مسکن متحرک و قابل حمل باشد. چه‌بسا که بتوان با تکیه به سنت و تجربیات تاریخی، راهی جدید و مؤثرتر در طراحی و تأمین مسکن متحرک، پیش‌ساخته، سبک‌سازی، ارزان‌سازی و سازگاری بیشتر با طبیعت گشود. رعایت اصولی از قبیل سازگاری حداکثری با محیط، سهولت و اچینی و باز چینی و جابجایی، سرعت کار، استفاده از مصالح بومی و غیره از جمله نکات قابل توجه در گونه‌های مختلف مسکن عشايري است.

واژگان کلیدی: عشاير ایران، بررسی تطبیقی مسکن، بازشناسی، هویت.

*دانشیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. ezarghami@srttu.edu

مقدمه

شیوه زیست مبتنی بر کوچ (کوچندگی) از متقدم‌ترین اشکال حیات اجتماعی است که از واپسین دوران شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسان‌ها تاکنون استمرار داشته است. از نظر الگوی زیست و استقرار، تعداد زیادی از جمعیت و جوامع عشايری، در زمرة اجتماعات کوچندگی و متحرک قرار می‌گیرند. هر جا جمعی تاریخی و با هویت فرهنگی خاص و شناخته شده وجود دارد قطعاً آثار اجتماعی و تجسمی آنان ارزش بررسی تطبیقی و طبقه‌بندی و گونه‌شناسی را دارد. عشاير ایران، ایل و قوم‌های متفاوتی هستند که از گذشته‌های دور در چهارگوش سرزمین ایران زندگی می‌کنند. هنگام کوچ مسکن و مأوای خود را نیز با خود از منطقه‌ای به منطقه دیگر می‌برند. مسکن آنان با طرز زندگی و جغرافیای زیست‌شان به سازگاری رسیده است. بدین سبب شاید بتوان گفت کامل‌ترین نوع مسکن قابل حمل و متحرک را از سالیان قبل عشاير ایران داشته‌اند.

از گذشته‌های دور تاکنون، پنهنه وسیعی از نواحی آسیای شرقی و مرکزی تا خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد حضور و استقرار اشکال متعددی از زندگی توأم با کوچ و به خصوص شیوه زیست عشاير کوچنده بوده است (اکبری، ۱۳۸۳). از آن میان می‌توان به تعداد زیادی از اقوام و ایلات و عشاير کوچنده مستقر در کشورهای مختلف آسیای مرکزی، افغانستان و کشمیر، پاکستان، ایران، ترکیه، عراق، سوریه، تونس، عشاير صحرانورد و واحه نشین‌های شبه جزیره عربستان، کشورهای شمال و شمال غرب آفریقا تا صحرای غربی و مراکش اشاره کرد. هنوز هم در برخی از نواحی جغرافیایی سایر قاره‌ها مانند امریکا و اروپا، زندگی کوچنشینی مبتنی بر دامداری شبانی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به بقایای این نوع زندگی در اروپای مرکزی و شمال غربی (منطقه

آلپ) و برخی از نواحی امریکای شمالی و جنوبی اشاره کرد. بررسی‌های انجام شده درباره عوامل طبیعی، سیاسی و اجتماعی - اقتصادی مؤثر در بروجود آمدن و تکوین الگوی زیست و معیشت عشايری مبتنی بر کوچ در قلمرو سرزمینی و فرهنگی اقوام و ایلات و عشاير مستقر در فلات ایران، حاکی از این است که این سبک زندگی متاثر از شرایط اقلیمی - جغرافیایی است. البته فرهنگ و اقتصاد معیشتی نیز در این نوع زندگی تأثیر و سهم خود را دارد.

از گذشته‌های بسیار دور تاکنون، متاثر از این وضعیت، اشکال متعدد و متنوعی از الگوهای زیست و معیشت مبتنی بر انواع مختلف دامداری روستایی و عشايري در اقصی نقاط ایران برقرار بوده و است.

ایلات و عشاير، سهم مهمی در تاریخ سیاسی ایران داشته‌اند (میزان، ۱۳۹۱). براساس نتایج مطالعات سازمان برنامه و بودجه وقت در سال ۱۳۶۹، عشاير کوچنده کشور در حدود ۶۰ درصد از عرصه سرزمینی کشور دارای قلمرو هستند. در حال حاضر نیز زندگی عشايري مبتنی بر کوچ در بخش زیادی از مناطق و استان‌های کشور جریان دارد؛ به طوری که براساس نتایج سومین سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشاير کوچنده (سال ۱۳۸۷)، تعداد ۱,۱۸۶,۳۹۸ نفر جمعیت عشايري در قالب ۲۱۲,۷۷۲ خانوار، ۱۰۴ ایل و ۵۵۲ طایفه مستقل و ۱۹۸۴۰ کوچک‌ترین رده ایلی در ۳۰ استان کشور استقرار دارند. با وجود اینکه در حال حاضر جمعیت عشاير کوچنده حدود ۱,۷ درصد جمعیت کشور را به خود اختصاص می‌دهد اما عشاير با تولید حدود ۲۰ درصد از نیازهای انواع پرتوئین حیوانی کشور، جزء مولدترين قشر از اقسام جامعه ایرانی بهشمار می‌روند. افرون بر آن، نقش و جایگاه اجتماعی - فرهنگی عشاير در رخدادهای تاریخی و اجتماعی و فرهنگی کشور نیز دارای ارزش‌های فراوان است. همچنین از لحاظ اجتماعی -

- سؤالات پژوهش**
- الف - اقام و عشاير ايران از لحاظ فرهنگي، اجتماعي و جغرافيايي چه تفاوت هايي دارند؟
- ب - انواع مسكن عشاير ايران به لحاظ تغييرات قومي، جغرافيايي چگونه است؟
- ج - گستردگي عرصه جغرافيايي ايران چه تأثيراتي بر مسكن عشايري داشته است؟
- ح - مسكن مناسب با زندگي غير ساكن و متحرک چه ويزگي هايي دارد؟
- خ - راه حلها و تجربه تاريخي ايلات و عشاير ايران برای تأمین مسكن به چه نتائجي انجامide است؟
- د - راهكارهای عملی و بومی برگرفته از الگوهای مسكن عشاير در موقع بحران چگونه قابل استفاده هستند؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر براساس هدف جزء پژوهش های کاربردی است و به صورت توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. روش تحقیق، کیفی و مبتنی بر مطالعات اسنادی و همچنین میدانی (زمینه ای) است. گرداوری اطلاعات به روش کتابخانه ای صورت گرفته و ابزارهای به کار گرفته شده شامل مشاهده و مستندسازی از الگوهای مسكن بومی عشاير ايران به روش ميداني و با استناد به منابع مطالعاتی هستند.

چهارچوب نظری پژوهش

تعريف عشاير

واژه عشاير از ريشه عشيره گرفته شده است. در اصطلاح عرب، به گروه اجتماعي هم خويشاوند (پدر تبار) که معنيت آنها بيشتر بر پرورش شتر و مبتنی بر کوچ (جابجايی) است، اطلاق می شود. عشيره و عشاير، اسم فارسي برگرفته از عربی به معنی خويشان، نزديکان و تبار اهل خانه و ايل و طایفه و قبيله است. کوچ عشاير عبارت است از جابجايی و حرکت افراد و خانوارهای

فرهنگي، مطرح بودن عشاير به عنوان حاملان و حافظان فرهنگ و ارزش های اصيل ايراني - اسلامي نيز قابل توجه است (سازمان امور عشاير ايران، 1395).

مسکن يا خانه، مكان و كالبدی است که تأمین کننده دو رکن آسایش جسم و روان است. شکل گيری مسكن تابع عوامل و شرایط فرهنگي، اقليمي، اقتصاد - معيشتي و تکنيک ساخت در جامعه استفاده کننده است. مسكن عشاير کوچ رو که سياه چادر يا آلاچيق است، قابلیت جمع کردن و دوباره برپا کردن و همچنین به همراه بردن را دارد و تابع تمامی شرایط فوق به ويزه فرهنگ، معيشت، اقتصاد و فن ساخت آن جامعه می باشد. زیستن به شيوه کوچندگي و عشايري يكى از قديمى ترین روش های زندگي بشرى است که برای بهره برداری از منابع طبیعی و سازگاري با شرایط اقليمي - جغرافيايي شکل گرفته است. در اين شيوه زندگي، مسكن که يكى از مهم ترین ضروريات زندگي است به گونه ای سيار و قابل حمل به همراه اين مردمان در حرکت و جابجايی بوده اما در مقاطع مختلفي به دلائل سياسي، امنيتی، رفاهي، خدماتي و ...، يك جانشيني و اسكان اين قبail، مورد نظر و اعمال قرار گرفته است (معيني، 1387). البته لازم به ذكر است که پروژه های يك جانشين کردن نتيجه ای به بار نداشته است و فرهنگ کوچندگي هنوز پا بر جاست.

مسکن عشاير و نوع زندگي آنها، زبان و موسيقى، غذاهای محلی، صنایع دستی، رقص و لباس های محلی به همراه آيین های محلی و جشن های عروسی از مهم ترین خصیصه و جاذبه های ايلات و عشاير است. بارزترین مشخصه ايلات و عشاير شيوه زیست آنان است که برخلاف يك جانشينان روستائي و شهرى، نقل و انتقال سیاه چادرها (خانه ها) و رمه های خودشان به هنگام کوچ است.

تاریخچه کوچ نشینی

عشایری بین قلمروهای ییلاقی (سردسیر) و قشلاق (گرمیسیر) که با هدف دسترسی به علوفه مرتتعی تازه برای تعلیف احشام و دوری از گرما و سرمای شدید انجام می‌گیرد. کوچ عشایر معمولاً با شرکت همه افراد خانوار، باروبنیه و سرپناه قابل حمل در قالب رده‌های ایلی و یا امروزه به صورت انفرادی و تک خانواری صورت می‌گیرد. کوتاه و بلند بودن مسیر کوچ، تغییری در مفهوم کوچ عشایر به وجود نمی‌آورد.

جمعیت عشایر کشور

تعداد ایلات مهم کشور ۱۷ ایل است که عبارت‌اند از بختیاری، قشقایی، ایلسون (شاہسون)، ممیوند، بویراحمد سفلی، خمسه، قره‌داغ – ارسیاران، بویراحمد علیا، بهمنی، ممسنی، کرد، طیبی، جلالی، جبال بارزی، ذلکی، بلوج و افشار. بررسی وضعیت جمعیت عشایر کشور در چند دهه گذشته نشان‌دهنده کاهش نسبت جمعیت عشایر کشور در مقایسه با جمعیت کل کشور است. براساس اطلاعات منابع تاریخی، در سال ۱۲۴۵ هـ ش. حدود ۳۸,۶ درصد جمعیت کشور، عشایری بوده است. براساس آخرین سرشماری رسمی عشایر کشور که توسط مرکز آمار ایران صورت گرفته است نسبت جمعیت عشایر کشور به کل جمعیت به ۱,۶۸ درصد کاهش پیداکرده که این امر نشان‌دهنده کاهش نسبت جمعیت عشایر کشور است. تعداد جمعیت عشایر کشور از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۷ روندی رو به رشد داشته است. به عبارت دیگر، هر چند نسبت جمعیت عشایر در مقایسه با کل کشور کاهش یافته است (۲,۳ درصد کل کشور در سال ۱۳۶۶ و ۲,۱ درصد در سال ۱۳۷۷) اما تعداد جمعیت عشایر کشور از ۱,۱۵۲,۰۰۰ نفر به ۱,۳۰۴,۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۷

مساکن عشایر از لحاظ گوناگون و در دسته‌بندی‌های مختلف به لحاظ چهار اقلیم متفاوت ایران و همچنین بر مبنای قومیت‌های مختلف شهری و روستایی مورد مطالعات قرار گرفته است. زندگی به شیوه عشایری همراه با کوچ یکی از قدیمی‌ترین روش‌های زندگی اجتماعی و شیوه‌های معیشت است که با پشت سر گذاشتن دوران فراز و فرودهای تاریخی تا به امروز ادامه پیداکرده است. همزیستی و تعامل با محیط زیست و کوشش مداوم، انطباق و سازگاری این شیوه‌ها، زندگی با شرایط و مقتضیات اقلیمی - جغرافیایی هر منطقه باعث شده است که شکل زندگی و معیشت، نظام کوچ و استقرار و بهره‌برداری از منابع محیطی، در بین گروه‌های عشایری اشکال مختلفی به خود بگیرد، برآورده شده است که بین ۱۵۰-۲۰۰ میلیون نفر در دنیا، زندگی شبانی داشته و براساس نظام گله‌داری مبتنی بر کوچ و بهره‌برداری بی‌واسطه از مراتع و سایر منابع محیطی زندگی می‌کنند. امروزه در پهنه بسیار گسترده‌ای از آسیای مرکزی، خاورمیانه و نوار شمالی آفریقا تا منتهی‌الیه غرب آن قاره و عرصه‌های برحی دیگر از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته اشکالی از شیوه زندگی مبتنی بر کوچ قابل مشاهده می‌باشد. ایران با میانگین بارندگی سلانه کمتر از

افزایش یافته است که این امر نکته‌ای قابل تأمیل است. البته در سرشماری سال ۱۳۸۷ این روند مجدداً بر عکس ۱۳۷۷ روبرو شده است (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۹۵).

استان	حوزه
آذربایجان غربی	غرب و جنوب
کردستان	جنوب
کرمانشاه	کشور
ایلام	
لرستان، ایلام	
چهارمحال و بختیاری	
کهگیلویه و بویراحمد	
فارس	
حوزه‌ستان	
کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان	شرق و جنوب شرق
آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل و گیلان	شمال غربی
خراسان، سمنان، مازندران و گلستان	شمال شرقی
زنجان	مرکزی
همدان	
تهران، قم، مرکزی	

ایلان

جلالی، میلان خوی، میلان ماکو، شکاک، مامش، زرزا، پنیاشن، قره پاپاق
عشایر گوران، گلباخی، اوراماتان، طوایف مریوان، طوایف سندج، طوایف بانه، طوایف سقز (عشایر کرد)

کرد جاف، کاهه، قلخانی، سنجابی، گوران و کردن، ثالث باباجانی، زنگنه، زوله (عشایر کرد)
ایلان کرد (عشایر کرد)، ملکشاهی، ارکوازی، شوهان، خزل، روسگه و ...

بیرانوند، حسنوند، پاپی، دریکوند، سگوند، ذلکی، ممیوند
ایلان بختیاری

ایلات بویراحمد (علیا، سفلی، گرمیسری)، بهمنی، طبی، دشمن زیاری، چرام و باونی (باوی)، محسنی
ایل قشقایی (عشایر ترک)، اتحادیه ایلی خمسه شامل عشایر عرب، باصری، بهارلو، اینانلو و نفر، ایل سرخی، ایل محسنی (عشایر لر و لک)

عشایر عرب شامل آل قاطع، بروایه، عچرش و داغله، کروشات و طورات

افشار، جبال بارزی، بچاقچی، بلوج، آئینه‌ای، سلیمانی، قرایی، آسیابر، خواجه‌یی، پشتکوهی، جازی، جاویدان، جبال بارزی، راثینی، مابکی، شکاری، شبتو، غربی، کامرانی، کمچی، کماچی سنجری، کوهشاهی، نرمی، ممنی، مهینی، لک بختیاری،

ایل شاهسون، طوایف ارسیاران (قره داغ) و طوایف خلخال، ایل میلان و ایل جلالی، اشکاک، زرزا، پیران، پیشانیش، سادات، قره پاپاق، مامش

سنگسری‌ها و طوایف الیکایی، احسانی و اعرابی، ایل افشار (ترک)، ایلات زعفرانلو (کرد) و شادلو و قاچورلو، ایلات تیموری، هزاره و طوایف بلوج و سیستانی، ترکمن‌ها

طوایف لر چگینی و غیاثوند؛ طایفه ترک شاهسون بغدادی و بقاپایی از طایفه کاهه
طوایف ترکاشوند، یارم طاقلو، جیمر (جمهور) و شاهسون

کله کوهی، کاهه، سنگسری، هداوند، شاهسون بغدادی و مغان

ج ۱. توزیع ایلی و طایفه‌ای عشایر کشور در بخش‌های مختلف جغرافیایی (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۹۵).

با کاهش جمعیت به ۱,۱۸۶,۳۹۸ نفر رسیده پشت چارپایان برای بردن به ناحیه‌ای دیگر حمل کرد. طرح چادرها معمولاً یا دایره شکل و یا مستطیلی است. هر یک از ایلات و عشایر یاد شده، دسته‌ها و رده‌بندی‌های ایلی خاص آن منطقه را رعایت می‌کنند. آداب و رسوم و شیوه‌های زندگی هر یک از این اقوام با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارد که همه این تفاوت‌ها و گونه‌گونی‌ها سبب شده که ایلات و عشایر به عنوان جاذبه‌های دیدنی عصر تکنولوژی به شمار آیند (مرکز گردشگری علمی فرهنگی دانشجویان ایران، ۱۳۹۵).

حوزه‌های زیستی عشایر و انواع مسکن آنها

به طور کلی نوع مسکن میان ایلات و عشایر را می‌توان به دو دسته دائمی و غیر دائمی تقسیم کرد. خانه، مسکنی است که مصالح آن از چوب یا مواد بنایی مانند خشت و گل، آجر و سنگ و غیره است و بیشتر در نقاط قشلاق هر ایل یا دهکده‌هایی که از سوی ایلات مسکون برای تمام ایام سال بنا شده یافت می‌شود و جنبه دائمی دارند. چادر، نیز در میان بیشتر چادرنشینان عمومیت دارد و مناسب وضعیت زندگی آنها است. چادرها را می‌توان در مدت کوتاهی از روی زمین برچید و بر شده است و جمعیت عشایری است که نسبت به سال

طوايف لرستان در يك تقسيم‌بندی به دو بخش لر و لک تقسيم می‌شوند که از نظر لهجه، سنن، آداب و رسوم و برخی مسائل مذهبی با یکدیگر تفاوت دارند. ايل بختیاری که در استان چهارمحال و بختیاری زندگی می‌کند بزرگ‌ترین ايل کوچنده کشور ایران است.

عشایر قشقایی نیز از مشهورترین ایلات کشور هستند. ایلات خمسه نیز که شامل ايل عرب، باصری، بهارلو، اینانلو و نفر است یک مجموعه ناهمگون است که پس از بختیاری‌ها و قشقایی‌ها سومین واحد دام داری متحرک ایران به‌شمار می‌آیند. عشایر عرب در جنوب غرب ایران ساکن هستند و از خصوصیات ویژه‌ای برخوردارند. عشایر عرب عمدتاً در محدوده استان خوزستان قرار دارند و از طوايف معروف آن‌ها می‌توان به بنی‌کعب و بنی‌طرف اشاره کرد.



ت 2. محل تهیه نان و پخت و پز ایلات لرستان.

(تهیه تصویر : نگارنده).



ت 3. نمای بیرونی سیاه چادر عشایر چهارمحال و بختیاری. (برگرفته از سایت: <http://www.jahanbinnews.ir>).

مسکن میان ایلات و عشایر	مصالح	سازه
خانه	چوب یا مواد بنایی مانند خشت و گل، آجر و سنگ و غیره	دائمی
سیاه چادر ، آلاچیق و گرد گمه-اوی	در مدت کوتاهی از روی زمین قابل برچیدن و بر پشت چارپایان به ناحیه‌ای دیگر قابل حمل است. طرح چادرها معمولاً دایره شکل و یا مستطیلی است.	غیر دائمی

ج 2. تقسیم‌بندی نوع مسکن میان ایلات و عشایر.

(مأخذ: نگارنده).

ایلات و عشایر حوزه غرب و جنوب ایران

در حوزه غرب و جنوب ایران رشته کوه‌های زاگرس قرار دارد که استان‌های کردستان، کرمانشاه، ایلام، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهکیلویه و بویراحمد و فارس را شامل می‌شود.



ت 1. سیاه چادر عشایر لرستان.

(تهیه تصویر : نگارنده).

ایلات مشهور شکاک، مامش، زرزا و قره پاپاق در استان آذربایجان غربی و ایلات گلباگی، طوايف اورامانت، طوايف مریوان، طوايف سندنج، طوايف بانه، عشایر جوانزو، طوايف سقز و طوايف مستقل در محدوده استان کردستان و کرمانشاه پراکنده شده‌اند. در استان کرمانشاه کوچ نشینی هنوز رواج دارد و ایلات کرد جاف، کلهر، قلخانی، سنجابی، گوران و کرند در این منطقه پراکنده شده‌اند.

ییلاق آن‌ها در کوهپایه‌های سبلان و قوشه داغ در پیرامون اهر و مشکین شهر است و طوایف ارسباران(قره داغ) و طوایف خلخال در کوههای طالش زندگی می‌کنند. قشلاق شاهسون‌ها و طوایف ارسباران، جلگه کم عمق مغان است و گرمسیر طوایف خلخال حاشیه رود قزل‌اوzen است. ایل میلان و ایل جلالی نیز در همین حوزه در منتهی‌الیه شمال غربی زندگی می‌کنند.



ت ۵. فعالیت زنان عشاير در کنار آلاچیق ایل شاهسون اردبیل. (برگرفته از سایت : <https://kalouttravel.com>).

ایلات و عشاير حوزه شمال شرق
حوزه شمال شرقی ایران به‌دلیل وسعت زیاد از اقلیم متنوعی برخوردار است. ایلات و طوایف این حوزه مانند ایلات زعفران‌لو و شادلو و قاچورلو هستند. ایلات کرد زعفران‌لو در شمال و شمال شرقی خراسان‌رضوی پراکنده شده‌اند.



ت ۶. نمایی از گوت (سیاه چادر عشاير ایل سنگسر) در ییلاق دماوند. (برگرفته از سایت: <https://fa.wikipedia.org>).

ایلات و عشاير حوزه شرق و جنوب شرق در حوزه شرق و جنوب شرق کشور که بخشی از خراسان و سیستان و بلوچستان و کرمان و هرمزگان را در بر می‌گيرد، شرایط آب و هوایی خاصی حاکم است. در این حوزه تنوع و تضاد اقلیمی، شدید و درمجموع منطقه‌ای کم آب و کم باران با آب و هوی گرم کویری و اختلاف درجه حرارت چشمگیر در شبانه‌روز است.



ت ۴. نمای بیرونی کپر عشاير بلوچستان. (برگرفته از سایت : <http://www.kojaro.com>).

عشایر بلوچ از مهم‌ترین ایلهای ساکن در جنوب شرق ایران هستند. بیش‌ترین تراکم جمعیت عشايري این حوزه در امتداد کوهستان‌های مرتفع مرکزی کرمان (شهرستان‌های کهنوج، بافت، سیرجان، جیرفت و بم) دیده می‌شوند. بلوچ‌ها در مبارزه با طبیعت و اقلیم سخت و در اثر محرومیت منابع و فقر طبیعت، خصوصیاتی ویژه یافته‌اند که آنان را از عشاير مناطق دیگر متمایز می‌سازد.

ایلات و عشاير حوزه شمال غرب
حوزه شمال غربی ایران شامل سرزمین آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل و بخشی از گیلان است که به‌دلیل کوهستانی بودن منطقه از تنوع آب و هوایی برخوردار است. در آذربایجان شرقی طوایف متعددی مانند ایل شاهسون زندگی می‌کنند.

ایلات ترک افشار از منتهی‌الیه شمالی خراسان، درگز و کوهپایه‌های کپه داغ تا الله‌اکبر تا هزار مسجد ایلات ترک افشار و قره قویونلو و... کوچ می‌کنند. در مناطق تربت‌جام، تایباد و خوفاف، ایلات تیموری، هزاره و طوایف بلوج و سیستانی زندگی می‌کنند. در حرکت به جنوب ایل بهلوی هستند که بیلاقشان در ارتفاعات بیرجند و قائنات است. ترکمن‌ها جذاب‌ترین عشاير منطقه شمال شرق ایران هستند. وجود عشاير ترکمن و آداب و رسوم جذاب آن‌ها سبب شده آن‌ها یکی از معروف‌ترین عشاير ایران پس از عشاير قشقایي باشند که گردشگران تمایل زیادی به بازدید از شیوه زیست و آشنايی با آداب و رسوم آن‌ها دارند.

ایلات و عشاير حوزه مرکзи

حوزه مرکزی ایران شامل استان‌های زنجان، همدان، سمنان، مرکزی، تهران و بخشی از مازندران می‌شود که ویژگی عمله آن‌ها نزدیکی به پایخت است. این ویژگی سبب شده که کوچ‌نشینان این مناطق دارای خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی متمایزی نسبت به دیگر عشاير باشند.



ت 7. چادر طوایف ترکاشوند (عشایر حوزه مرکزی).

(برگرفته از سایت : <http://kochashairiran.blog.ir>).

طوایف لر چگینی و غیاثوند، طایفه ترک شاهسون بغدادی و بقایایی از طایفه کلهر در استان زنجان سکونت دارند. بقایایی از طوایف مختلف مانند کل کوهی و میش

مستی و ... نیز در استان مرکزی در میان ساوه و استان زنجان زندگی می‌کنند. از نظر تعداد جمعیت، این ایلات دارای جمعیت بالای 2000 خانوار هستند.

الگوی زیستی

جنوتابیپ که شاید بتوان آنرا الگوی زیستی نامید به قوانین انتزاعی نهفته در یک فرم فضایی گفته می‌شود. این واژه‌ای است که در زیست‌شناسی کاربرد دارد. معنای کلی آن مجموعه اطلاعاتی است که در درون یک نوع یا "گونه" موجود وجود دارد و این اطلاعات درونی است که بر فرم شیع حکومت دارد (Hillier, 1984: p. 42).

به‌وسیله الگوی زیستی گونه یا نوع با موجودات گروه خود درگذشته و آینده پیوند می‌یابد. تضمین زندگی و بقای آن و تشابهش با دیگری بستگی به این اطلاعات ژنتیک دارد و تکامل واستحکام آن و استمرار زندگی اش را عملی می‌نماید.

گونه زیستی یا الگوی زیستی پنهان در معماری نیز همان اطلاعات درونی است که در فضای معماری نهفته است. در فضای معماری روابط اجتماعی که از رفتار باشندگان و یا مصر فکرندگان آن‌ها ناشی شده قابل بازشناخت می‌باشد.

انواع پلان‌های مسکن عشايری

فرم و هندسه مسکن عشاير بر حسب نوع آن متفاوت است.

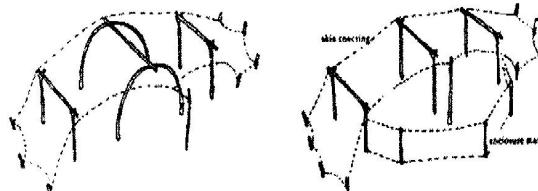
چگونگی بافت سیاه چادر

سیاه چادرهای عشاير، نماد طراحی درون‌زا برای معيشتی پایدار و استفاده‌های بهینه از ظرفیت‌های بوم‌آورده و برای دستیابی به اهداف الگوی زیستی کارآمد کوچندگی بوده‌اند (پاپ زن و افشارزاده، 1390، صص 39-56). سیاه چادرها مختص مناطق گرم و خشک و دارای پلان و نمای مستطیل شکل هستند. هوای بهشت گرم زیر سقف چادر، هوای خنک را به شکل تلمبه داخل می‌کشد (حیدری، 1388).

هر سیاه چادر از چند «لت» تشکیل می‌شود و هر «لت» نواری بافته شده از موی بز سیاه است. در حقیقت «لت» تکه‌ای از سیاه چادر است. زنان «لت»‌ها را که به شکل یک نوار بافته شده‌اند، به وسیله دستگاهی سنتی در محل زندگی خود می‌بافند. عرض بین ۴۰ تا ۶۰ سانتی متر است و طول آن ۱۰.۶ یا ۱۵ متر است.

زنان پس از بافتن «لت»‌ها آن‌ها را از دو طرف بهم می‌دوزند تا کم کم به شکل سیاه چادر درآید.

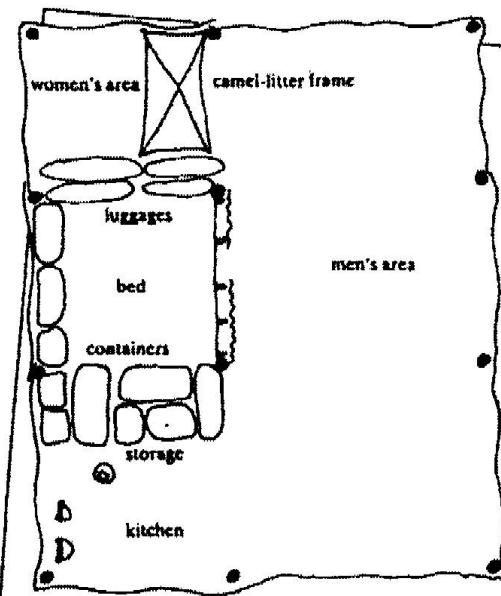
از جمله ویژگی‌های سیاه چادر می‌توان به خواص فیزیولوژیکی موی بز اشاره کرد که برخلاف بقیه مواد در گرما منقبض و در سرما منبسط می‌شود و این به کاربرد ممتاز آن در سیاه چادر کمک کرده تا در تابستان منافذ سیاه چادر باز شده و هوای سیاه چادر خنک شود و در زمستان منافذ آن بسته شده تا از ورود سرما و باران جلوگیری شود.



ت ۱۰. نحوه قرار گرفتن تیرها و ستون‌های چوبی در چادرهای طوارق. (Couchaux, 1980) به نقل از سرتیپی‌پور، (۱۳۸۵).

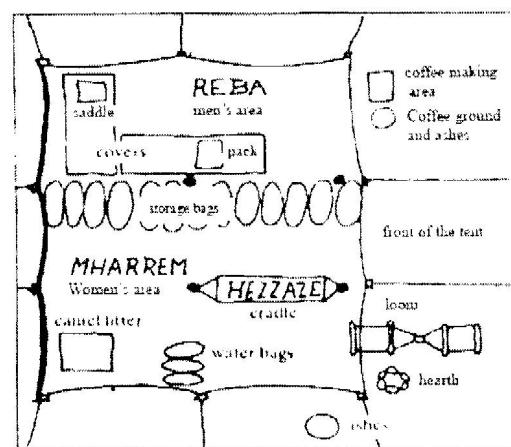


ت ۱۱. فضای داخل چادر ایلات لرستان.
(تهیه تصویر: نگارنده).



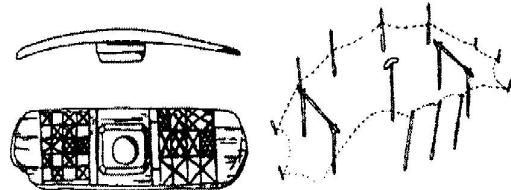
ت ۸. پلان یک چادر کابایش. (Lee Horne, 1980) به نقل از سرتیپی‌پور، (۱۳۸۵).

تکه‌ای از سیاه چادر است. زنان «لت»‌ها را که به شکل یک نوار بافته شده‌اند، به وسیله دستگاهی سنتی در محل زندگی خود می‌بافند. عرض بین ۴۰ تا ۶۰ سانتی متر است و طول آن ۱۰.۶ یا ۱۵ متر است.



ت ۹. پلان تعیین محدوده‌های فعالیتی در یک سیاه چادر (Lee Horne, 1980) به نقل از سرتیپی‌پور، (۱۳۸۵).

در بین ایلات و عشایر ایران سیاه چادرها با اندازه‌ها و شکل‌های متفاوت بافته می‌شوند.

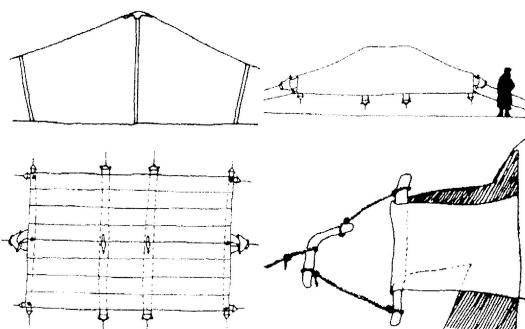


ت 12. جزئیات پل چوبی روی ستون مرکزی چادر.
(Couchaux, 1980) به نقل از سرتیپی پور، (1385).

اتصال بندهای چادر به زمین تحت عوامل جغرافیایی محیط به دو صورت انجام می‌گیرد:

الف - در مناطق کوهستانی

چون در این مناطق خاک کم وجود دارد و در صورت وجود خاک، قشر آن نازک است بنابراین بندهای چادر را نمی‌توان به راحتی بر روی زمین نصب کرد و استفاده از میخ چادر امکان‌پذیر نیست. در این مناطق بند چادر به سنگ‌های کوهستان نصب می‌شود یا اینکه قطعات بزرگ سنگ را به نزدیک چادر آورده و در محل مناسب قرار داده و بندهای چادر را به آن نصب می‌کنند.



ت 14. جزئیات نصب چادر سیاه. (Lee Horne, 1980) به نقل از سرتیپی پور، (1385).

چگونگی بافت آلاچیق

آلاچیق‌ها معمولاً در مناطق سرد و کوهستانی ساخته می‌شوند و پلان به صورت دایره (مدور) و نما نیمکره است. آلاچیق از دو بخش تشکیل می‌شود. بخش بالایی (سقف آن) از موی بز بافته می‌شود. بخش دیگر دیواره جانبی است که چیق (یا چیت) نام دارد و از ترکیب نی و موی بز ساخته می‌شود. سقف در اصطلاح محلی دوار (davar) نامیده می‌شود و از موی بز سیاه و توسط زنان عشایر بافته می‌شود. موی بز خاصیت بسیار مطلوبی



ت 13. محل نگهداری شیر، ماست و مواد غذایی (یخچال) چادر ایلات لرستان. (تهیه تصویر: نگارنده).

برای اتصال طناب چادر به سنگ از شاخه‌های جنگلی استفاده می‌شود. بدین ترتیب که شاخه‌ای از درخت را

است و در حدود دو متر قطر دارد که روی تونوک را می‌پوشاند.



ت ۱۵. آلاچیق عشاير ايل شاهسون اردبيل.
(برگرفته از سایت : <https://kalouttravel.com>)

دور سرپک هم ریسمان دوزی شده است ولی معمولاً فقط چند قطعه از آن ریسمان‌ها را به اسکلت آلاچیق می‌بندند و ریسمان‌های دیگر را آزاد می‌گذارند که هر وقت بخواهند بتوانند نیمی از سرپک را از روی تونوک کنار بزنند تا دود اجاق آلاچیق بیرون بروند و یا نور به درون آلاچیق بتابند. وقتی از پوشاندن نمدهای آلاچیق فارغ شدند دور آلاچیق را با سه قطعه حصیری که (قامیش gamic) نامیده می‌شود، می‌بندند. دو قطعه از این قامیش‌ها را که هریک هشت یا نه متر درازا دارد از یکسر به چهارچوب در و از سر دیگر در پشت آلاچیق به هم می‌بندند درحالی که قطعه دیگر قامیش را که کوچک‌تر است در زیر آن دو در محل اتصال آن‌ها قرار می‌دهند. بعد از این که آلاچیق را با قامیش پوشانند چند میخ چوبی در دو طرف آلاچیق به زمین می‌کوبند و آلاچیق را با چند قطعه ریسمان به آن‌ها می‌بندند تا در برابر بادهای شدید ایستادگی کند. برای استقامت بیشتر آلاچیق در برابر باد جسم سنگینی را مانند یک جوال گندم یا خورجینی پر از اشیاء، از ریسمانی که در وسط آلاچیق از

برای حفظ آب در موقع بارندگی دارد و معمولاً آب باران از جداره آن عبور نمی‌کند همچنین موی بز در دسترس است و ارزان تهیه می‌شود. دیگر خاصیت موی بز سبک بودن آن است و نسبت به چادرهای بزرگ‌تر جمع‌آوری و حمل آن راحت‌تر است. در تابستان در روزهای آفتابی، استراحت کردن در زیر این آلاچیق‌ها لذت‌بخش است.

ساختمان آلاچیق شامل اسکلتی از چوب است که آن را با چند قطعه نمد می‌پوشاند اگر نمد برداشته شود آلاچیق همچون یک قفس چوبی به نظر می‌رسد. چهار نقطه تارم (tarem) و شصت تا هفتاد قطعه چوب‌های کمانی شکل که (اوچ ug) نام دارد و یک قطعه دیگر به نام تونوک (tunuk) که گرد است و بالاتر از همه جا می‌گیرد اسکلت آلاچیق را پدید می‌آورد. در ورودی آلاچیق دو لنگه است و در یک چهارچوب باز و بسته می‌شود. آلاچیق را معمولاً در زمینی بر پا می‌کنند که اندکی از زمین دور و برش بلندتر است. برای بربا کردن آن ابتدا دو تا از تارمی‌ها را که چهارچوب در باید بین آن دو کار گذارده شود روی زمین عمود می‌کنند و چهارچوب را به آن دو می‌بندند و بعد دو تارمی دیگر آلاچیق را، به آن دو وصل می‌کنند تا دور اسکلت آلاچیق تکمیل می‌شود. آن وقت گرداگرد این چهار تارمی را با دو تکه نوار به نام دور لق یاقا (Durlog yaxa) می‌بندند تا تارمی‌ها محکم به هم بند شوند. دور لق یاقا نواری است جاجیم‌باف که درازایش به اندازه پیرامون آلاچیق تکمیل می‌شود و اینک باید آن را با نمد پوشاند. نمدهایی که با آن آلاچیق را می‌پوشانند، چند قطعه است. آخرین قطعه نمدی که روی آلاچیق می‌اندازند سرفک یا سرپک (serpekk) نامیده می‌شود. سرپک به شکل دایره

تونوک آویخته شده است می‌آویزند. به علاوه یک تیرک چند متری هم که در وقت جابجا کردن نمدهای پوششی آلاچیق به کار می‌آید از توی آلاچیق و از سمتی که باد می‌وزد و به محل اتصال اوق به تارمی ضامن می‌کنند و سر دیگر آن را در سوی دیگر آلاچیق به پایین تارمی‌ها بند می‌کنند با این کارها آلاچیقشان در برابر شدیدترین بادها هم استقامت می‌کند و از جا کنده نمی‌شود. هیئت گبدهی شکل آلاچیق هم به این استقامت کمک می‌کند، زیرا می‌تواند جریان باد را برخلاف سطوح عمودی و با تحمل فشار کم از خود عبور بدهد. چنانچه بخواهند آلاچیق را به جای دورتری ببرند چهار قطعه تارمی را جمع می‌کنند و اوقها را در دو بسته می‌پیچند و بر شتر یا یک اربابه بار می‌کنند (دادخواه، ۱۳۸۹). ورودی آلاچیق در جهت جنوب جغرافیای قرار دارد و بعد از ورود به داخل فضاء، محل کندن کفش‌ها است. در بالای در ورودی قطعه چوبی به عنوان جالب‌اسی (سیریق) وجود دارد. وسائل زندگی دورتادور و در کنار دیوارهای قرار گرفته و کلیه فعالیت‌ها در مرکز فضا است (شمالي، ۱۳۹۴).

چگونگی بافت کپرهای

کپر در مناطق معتدل و مرطوب برپا می‌گردد، پلان آن به شکل دایره و نما نیمکره می‌باشد. صالح رایج در ساخت این مساکن عموماً چوب، نی، پشم بز و شتر است ولی المان‌های سازه‌ای متفاوتی جهت پایداری آن‌ها استفاده می‌گردد.

کپر نام گونه‌ای اقامتگاه سایه‌بانی در جنوب ایران و از جمله منطقه شهرستان بستک و مناطق گرم در غرب استان هرمزگان است.

مردمان کوخرد و بخش کوخرد و روستاهای توابع و مناطق مجاور برای استراحت روزانه خود کپر می‌ساختند، مخصوصاً آن‌ها که در فصل تابستان و گرما به پشت



ت ۱۶. نحوه ساخت سقف کپر.

(برگرفته از سایت: <http://www.halil.ir>).



ت ۱۷. مراحل ساخت سقف و دیوار کپر.

(برگرفته از سایت: <http://www.halil.ir>).

کپر از تنہ نخل «مُوغ» و شاخه و برگ آن ساخته می‌شود. در زمان قدیم مردم دهستان کوخرد و منطقه اطراف آن برای استراحت روزانه در کنار زمین و نخل‌های خود کپر می‌ساختند. همچنین در کنار باغ‌ها برای انبار کردن پیاز و هندوانه و دیگر محصولات و برای حفظ آن‌ها از نور آفتاب از کپر استفاده می‌شده است

مضيف

مضيف که سازه‌ای مقاوم با معماری پیچیده است در نزد قبایل عرب نشین خوزستانی جایگاهی مقدس برای مهمانان محسوب می‌شود.

مضيف در حقیقت بنایی است که عرب‌ها آنرا تنها با استفاده از نی و بوریا برای میزبانی از مهمانانشان در خارج از محیط خانه می‌ساختند. در قدیم خانه بیشتر عرب‌های خوزستان مضيف داشت و ساخت خانه با نی از ویژگی معماري خانه‌های خوزستان در گذشته بوده است. اصل سازه مضيف روی حفاری چاله‌ای است که قرار است در آن قرار گیرد و ساخته شود. تنها افراد خاصی هستند که می‌توانند مختصات هندسی این چاله‌ها را تعیین کنند و آنرا به صورت دستی و نه با بیل مکانیکی حفر کنند. هرچه چاله مورب‌تر باشد هلالی ستون‌ها و سقف بهتر شکل می‌گیرد. پس از کدن چاله و آماده‌سازی نی‌ها، به صورتی که پوسته آن‌ها باید جدا شود، نوبت به تثبیت ستون‌ها در گودال‌ها می‌رسد که آنرا با ملات کاه‌گل محکم می‌کنند و برای هلالی کردنش روی هر ستون دو نفر بالا رفته و آنرا شکل می‌دهند. پس از گذشت دو روز ملات ستون‌ها خشک می‌شود و نوبت به دیوارهای سقف می‌رسد و سپس چیدمان وسایل داخلی آن با وسایلی چون فرش، متكاهایی برای تکیه زدن، منقل، صندوقچه، دله و فنجان‌های قهوه و سایر وسایل قهوه‌خوری و همین‌طور صنایع دستی محلی صورت می‌گیرد (عبدی فر، ۱۳۹۵).

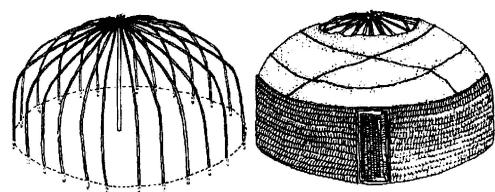
بوریاها استحکام خوبی دارند و اگر از نور آفتاب و بارندگی فرسوده شوند، قابل مرمت هستند. اما فقط آتش به طور کامل آنرا از بین می‌برد. در حال حاضر بزرگ‌ترین مضيف حصیری ایران در سومنگرد خوزستان واقع شده است.

(محمدیان، ۲۰۰۳). کپر بیشتر در بین بختیاری‌های ساکن در روستاهای دیده می‌شد. آنان در تابستان برای فرار از گرما و در جایی از روستا که بادگیرتر و خنک‌تر بود، آلونکی از چوب، نی یا بوته‌های علف درست می‌کردند که به آن کپر گفته و تا انتهای فصل گرما در آن زندگی می‌کردند.



ت ۱۸. کپر ساخته شده و محوطه آن.
(برگرفته از سایت : <http://www.halil.ir>).

کپرهایی با دیوارهای کوتاه سنگی از انواع دیگر مسکن بختیاری‌ها در گرمسیر بود که سقف آن‌ها را با نی می‌پوشانندند. محدودی از بختیاری‌های روستانشین که صیغی کاری داشتند، کپرهایی در نزدیک باغها ساخته و فصل گرما را در آن به سرمی بردنند.



ت ۱۹. سازه و نمای یکی از انواع کپری.
(Hallet and Samizay, 1980)

البته کپر در بین عشایر جنوب خوزستان اهمیت ویژه‌ای دارد و مضيف نوعی کپر است که برای پذیرایی از مهمانان احداث می‌شود.



ت 20. بافت سازه اصلی مضيف.

(تهیه تصویر: نگارنده).

متحد (UNWTO) نیز به چاپ رسید و از این کتاب تحت عنوان " داستان من، جامعه من، آینده ما" در UNWTO جريان بيست و يكمين نشست مجمع عمومي رونمايي شد.

معماري و مهندسي ساخت مضيف به حدی پيچide و سخت است که تنها اندکي از کهن‌سالان روستا از عهد ساخت آن بر می‌آيند.

بوریاباف‌ها که در حال حاضر به ندرت در منطقه یافت می‌شوند ستون‌ها و نی‌های استفاده شده در این سازه را از منطقه هور العظیم آورده‌اند. ساخت مضيف که از نی و بوریا تشکیل شده هزینه‌ای بالغ بر 7 میلیون تومان دارد. به گفته اهالی برديه اين مضيف متعلق به نياکان و اجداد آن‌هاست که احیای آن سبب احیای فرهنگ منطقه خواهد شد.



ت 21. نمای خارجی مضيف.

(تهیه تصویر: نگارنده).

ستون‌های مضيف باید فرد باشند. از 7 تا 17 ستون در مضيف به کار می‌رود. نبود مصالح ساختمانی و فراوانی نی و بوریا از ویژگی‌های آن است.

این سازه بيشتر در مناطق جنوبی خوزستان و در مناطقی که نزديک هور و مرداب‌ها و نخلستان‌ها می‌باشد یافت می‌شود و دليل آن دسترسی به نی و حصیر است.

سنت ساخت مضيف در حالی رو به فراموشی قرار گرفته که اين سازه برای خوزستانی‌ها نه حکم مهمانسرا بلکه خلاصه‌ای از فرهنگ یک قوم را به همراه دارد. اکنون افراد انگشت شماری هستند که به ساخت مضيف مشغول‌اند و در صورت نبود آن‌ها اين سنت ديرين معماری برای همیشه از بين می‌رود. به گزارش CHN، با استناد به تاریخ و مراجع و متونی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود مضيف چزء سازه‌های کاربردی مردم مناطق سوسنگرد و شادگان به شمار می‌رفته است. در ورودی مضيف هنگام ساخت باید رو به قبله باشد و ارتفاع در ورودی آن باید ارتفاع کمی داشته باشد و این هم به خاطر اينکه فردی که قصد ورود به مضيف را دارد در برابر کسانی که داخل نشسته‌اند خود را به نشانه احترام و ادب خم کرده و سپس وارد شود و از اولین شخصی که در کنار ورودی نشسته شروع به سلام و روبيوسی می‌کند و سپس جايی برای نشستن خود تعیین می‌کند. داستان احیای این سازه اقامتي موسوم به مضيف که متعلق به روستای برديه استان خوزستان است تا جايی پيش رفت که در کتاب "داستان‌های گردشگری" سازمان جهانی گردشگری ملل

ردیف	القومیت عشایر	نوع مسکن	اقلیم مورد استفاده	ویژگی های سازگاری	مواد و مصالح مورد استفاده	فرم و هندسه مسکن	المان های سازه ای
۱	عشایر شاهسون	آلاچیق (پذیرایی مردانه) و مطبخ (زنانه)	سرد و کوهستانی	هماهنگی کامل با شرایط محیطی	پلان: دایره (مدور) نما: نیمکره	چوب، نی، پشم بزر	چوبوق، چنبه، مهار بندی گره ضربدری
۲	عشایر قشقایی، هزار مسجد، بختیاری و بلوج	سیاه چادر	گرم و خشک	حمل آسان، قابلیت تغییر فرم در فصول مختلف	پلان و نما: مستطیل	چوب، نی، پشم بزر، سنگ	کمج، لته، شیش
۳	عشایر ترکمن	کبر	معتدل و مرطوب	برچیدن راحت، حمل و بارگیری معکوس	پلان: دایره (مدور) نما: نیمکره	چوب، نی، پشم بزر، پوست شتر	توی نوک، اوق، تارم، قامیش

ج ۳. ویژگی مساکن عشایر در حوزه های مختلف جغرافیایی ایران. (مأخذ: نگارنده).

ردیف	المان های سازه ای	نماد سازه	مورد استفاده در مسکن عشایر
۱	چوبوق	تیرهای چوبی انحنا دار کمانی شکل	آلاچیق
۲	چنبه	مهار بندی حلقه کروی چوبی سقف آلاچیق (کره گنبدی شکل چوبی با تیرهای کمانی شکل به صورت کام و زبانه در گیر)	
۳	مهار بندی گره ضربدری	نووارهای پشمی طویل در پیرامون تیرهای چوبی کمانی شکل	
۴	چسکی	مینخ های چوبی بلند	
۵	کمج	چوب های بلند صاف و در بالا دو تکه	سیاه چادر
۶	چادر سیاه	پوشش سقف سیاه رنگ به پهنهای یک متر و درازای ۱۰ متر	
۷	شیش	مینخ های کوچک چوبی	
۸	توی نوک	چوب دایره ای شکل در قسمت بالای سازه سقف	کبر
۹	اوق	چوب های کمانی شکل بخش گندی سقف	
۱۰	تارم	چوبهای بافت شده ضربدری در قسمت استوانه	
۱۱	پوست شتر	بندهای پوستی برای مهار بندی تارم ها	
۱۲	قامیش	حصیر از جنس نی دور تادور تارم	مضیف
۱۳	چاله	گودال مورب برای تثبیت ستون ها با ملات کاهگل	
۱۴	نی و بوربا	به عنوان ستون و پوشش دیواره ها و سقف	

ج ۴. ویژگی مساکن عشایر در حوزه های مختلف جغرافیایی ایران. (مأخذ: نگارنده).

مقایسه تطبیقی انواع و گونه‌ها در پدیده‌های مشابه، فعالیت‌ها، آثار مجسم، تکرار شونده و ریشه‌دار بشری سبب شناخت تفاوت‌ها، تمایزات و علل آن می‌گردد. آثار اجتماعی و تجسمی در مجموعه‌های تاریخی و فرهنگی مانند عشایر ایران دارای ارزش بررسی و الگو گیری است. سازگاری مسکن آنان با طرز زندگی و جغرافیای زیست شان کامل‌ترین نوع مسکن قابل حمل و متحرک را معرفی می‌نماید. لذا با توجه به نیاز به مسکن متحرک و غیردانمی در عرصه‌های گسترده، این مهم شایسته پژوهش و بررسی بیشتر است. همچنین این مسئله در رابطه با نیاز به مسکن موقت و غیر دائم در بحران‌های طبیعی، اجتماعی و مشابه دیده می‌شود. با مطالعه و مشاهده مسکن عشایر ایران با وجود شباهت‌های کلی تفاوت‌های شکلی و تزییناتی به چشم می‌خورد. آنچه در این میان قابل تأمل است و موضوع را بیشتر اهمیت می‌دهد ویژگی‌های مشترک و اصول پایداری این گونه از مسکن در طول تاریخ است. رعایت اصولی از قبیل سازگاری بالا با محیط، سهولت جابجایی و اجرا سرعت کار، استفاده از مصالح بومی و ... از نکات اصلی و مشترک در گونه‌های مختلف مسکن عشایری است.

در رابطه با پلان مسکونی عشایر قابل مشاهده است که مسکن دارای یک هسته مرکزی به عنوان لایه درونی و اصلی خانه می‌باشد و در محدوده (محیط) این لایه اصلی، حوزه فعالیتی به عنوان حیاط در لایه بعدی با ابعاد پنهان و نامری جهت فعالیت‌های جنبی قرار دارد. باوجود عدم استقرار و تعییه موانع فیزیکی و ظاهری مانند دیوار، آلاچیق، سنگ‌چین و غیره این بعد پنهان برای ساکنین و همسایگان کاملاً آشنا و محسوس بوده و

رعایت می‌گردد این لایه به عنوان حریم نامری خانه عملکرد قوی و مؤثر خود را دارد.

همچنین مطالعات صورت گرفته در رابطه با پلان و فضای داخلی مسکن عشایر گویای این مطلب است که علیرغم عدم وجود تقسیم‌بندی داخلی، فضای داخل خانه (چادر یا کپر یا اوبه) به لحاظ معنایی و حتی کاربردی و عملکردی، دارای عرصه‌های متفاوت و خاص خود هستند. با تکیه بر اهمیت بررسی مسکن عشایری چند نتیجه قابل توجه حاصل می‌گردد.

نکته اول این که فضای خانه با تجمعیع و گرد هم آوردن عملکردهای مختلف آن در یک فضا، می‌تواند چند عملکردی باشد. پایداری زندگی و زیست در این حالت نیز تداوم می‌یابد. تجربه تاریخی زندگی عشایر و ایلات ایران این موضوع را اثبات می‌کند. زندگی موقت و یا دائم در سوئیت‌های امروزی نیز می‌تواند در تداوم این شیوه طراحی و ساخت، تبیین و تفسیر گردد.

نکته دوم آنکه قراردادهای نانوشتۀ اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی می‌تواند در نوع خانه مؤثر باشد و آنرا به سوی سادگی و یکپارچگی سوق دهد. چه بسا این مسئله ضرورتی تمام برای آسان شدن حمل مسکن باشد و از آنجا با تکرار و تداوم به فرهنگ تبدیل و یا وارد شده باشد یا بر عکس این فرهنگ امکان کوچ‌نشینی را داده و امکان برخورداری از امکانات طبیعی و مطلوب عرصه گسترده‌ای از لحاظ زیستی و اقتصادی فراهم آورده است.

نکته سوم این است که با هماهنگی فرهنگی و کالبدی در خانه، طرح و شکل خانه انعطاف‌پذیر گشته و سازگاری حداکثری با محیط پیدا می‌کند.

از سوی دیگر مطالعه و بررسی در رابطه با مشابههای خانه‌های عشایری نشان می‌دهد که

- سازمان امور عشاير ايران، برگرفته از سایت:
<http://www.ashayer.ir/index.aspx?siteid=1&pageid=162>
- سرتبي پور، محسن، ۱۳۸۵. مسكن روستايي در کشورهای مسلمان آفريقيا، نشریه علمی پژوهشی مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۵.
- سرتبي پور، محسن، ۱۳۸۵. مسكن روستايي در عربستان، عمان، عراق و سوريه، نشریه علمی پژوهشی مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۶.
- شمالی، آتوسا، ۱۳۹۴. "تحليلى بر زندگی تركمن از اوی تا خانه (با بررسی خانه‌های شهر گمیشان)، کنفرانس بین المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری، تبریز.
- عبدالفر، نرگس، ۱۳۹۵. براساس مستندات ساخت مضيف مربوط به هزاره سوم ق.م در سرزمین بين النهرين و متعلق به قوم سومري، برگرفته از سایت:

<http://shaparakdaily.ir/shaparak/News.aspx?NID=85021>

- حيدري، شاهين، ۱۳۸۸. "در جستجوی هویت شهری اسلام"، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقاتي شهرسازی و معماری، تهران.
- محمديان، كوخردي، محمد. به ياد كوخرد ج ۲. چاپ اول، دبی: سال انتشار ۲۰۰۳ ميلادي.
- معيني، مهدى (۱۳۸۷)، مطالعه روند شكل گيري مسكن در تازه آبادهای عشايری (تازه آباد گل افshan سمیرم، اصفهان)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۳، صص ۴۷-۵۶.
- ميزبان، مهدى ، ۱۳۹۱. "بررسی عوامل مؤثر در تعامل مناسب بین فرهنگ و مدیریت جهادی با جامعه عشايری"، فصلنامه عشايری ذخایر انقلاب، شماره ۵۷، صص ۱۳۳-۱۵۴.
- معماريان، غلامحسين و على طبرسا محمد، ۱۳۹۲. گونه و

خانه‌های عشاير بلوج و شاهسون نسبت به خانه‌های عشاير قشقایي و يا بختياری پوشیده‌ترند، به عبارت دیگر ايزوله‌تر هستند، اين امر می‌تواند به شرایط حاد اقليمي هر دو گونه فوق مربوط باشد. با اين توضيح که در سیستان و بلوچستان شرایط از لحاظ گرمای شدید و در آذربایجان نيز از لحاظ سرمای شدید در زستان و شبها حاد است؛ لذا اين امر موجب پوشیده شدن اين خانه‌ها شده است. اين پوشیدگي در مقايسه با مسكن بختياری و قشقایي که به صورت سیاه چادر است و در خيلی از مواقع قسمت پائين تنه آن باز است، قابل توجه می‌باشد. با اين توضيح که مسیر کوچ و يا جغرافياي کوچ عشاير بختياری از جنوب شيراز به طرف بوشهر و جنوب کشور است که در زستان هم (فشلاق) هوای ملایمی دارد و در تابستان به طرف چهارمحال و بختياری کوچ می‌کند که هوای نسبتاً ملایمی دارد.

فهرست منابع

- اکبری، علی، ۱۳۸۳. پیشگفتار، مجموعه مقالات همايش ملی ساماندهی جامعه عشاير ايران، جلد اول ، صص ۱-۸.
- اماپور، محمدتقی، ۱۳۹۱. "نقش فرهنگ و مدیریت جهادی در تحقق جهاد اقتصادي بهمنظور توسيعه فرهنگي اجتماعي جامعه عشايری"، فصلنامه عشايری ذخایر انقلاب، شماره ۵۷ صص ۷۹-۱۰۰.
- پاپزن، عبدالحميد، افسارزاده، نشمیل، ۱۳۹۰. "دانش بومي زنان عشاير کلهر در زمينه سيء مال، سازه پرتابل ايل" ، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره سوم، شماره دوم، صص ۳۹-۵۶.
- دادخواه، سعدالله، ۱۳۸۹. وجود کوچ نشینان تركمن وکرد، برگرفته از سایت:
<http://geo-turkmensahra.persianblog.ir/pages/4>

گونه‌شناسی معماری، نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی
معماری و شهرسازی ایران شماره ۶ پاییز و زمستان ۱۳
صفحه ۱۰۳-۱۱۴.

- مرکز گردشگری علمی فرهنگی دانشجویان ایران، ۱۳۹۵.
عشاير و کوچ نشینان ایران، برگرفته از سایت مهر میهن.

- ناری قمی، مسعود، دامیار، سجاد، ۱۳۹۱."رویکردهایی به
معماری بومی در نظریه پردازان مدرن معماری"، نشریه شهر و
معماری بومی، شماره سوم.

- Oliver, Paul, Dwellings, .2003. "The Vernacular House Worlds Wide". New York: Phaidon Press.

- Memarian Gh. (1998), House Typology in Iran, (Ph.D. Thesis), Manchester, U.K.

- Moudon, A. V.: (1994), 'Getting to Know the Built Landscape: Typo morphology', in K. E. Frank and L. H.

- Orhun. D, Hillier. B, Hanson. J, 'Spatial Types in Traditional Turkish Houses', Environment and planning .B: Planning and Design, 1995, vol.22 (No. 4), pp. 498-475.

- Hallet, Stanley Ira and Rafi Samizay,Traditional Architecture of Afghanistan (New York, Garland STPM press,1980).